

تحلیل ژئوپلیتیکی مؤلفه‌های قدرت انقلاب اسلامی در جهان اسلام

افشین متقی^۱

چکیده

هر حرکت، جنبش و یا انقلابی برای پیدایش نیاز به یکسری مؤلفه دارد. همان‌طور که ظهور هر پدیده‌های نیاز به زمینه‌ها و بستری‌هایی دارد، دوام و ادامه‌ی حیات آن نیز محتاج یک سلسله عواملی است. این عوامل می‌تواند شامل جنبه‌های عینی و مادی و ذهنی و معنایی باشد. هر کدام از این جنبه‌ها بخشی از حیات پدیده را فراهم می‌نماید. علاوه بر این که پدیده در پیدایش و دوام نیاز به مؤلفه‌های دارد، رشد و گسترش آن نیز در گرو چنین حالتی است. در این مقاله نگارنده سعی دارد تا انقلاب اسلامی ایران را که در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹م) ظهور کرد را مورد بررسی قرار دهد و مؤلفه‌های قدرت آن در جهان اسلام را تحلیل نماید. مؤلفه‌هایی که سبب استمرار این انقلاب و رشد و انتشار آن در جغرافیای جهان اسلام می‌گردد. از این‌رو سعی در پاسخگویی به این سؤال اساسی داریم که چه مؤلفه‌هایی و چگونه سبب قدرت انقلاب اسلامی در جهان اسلام شده‌اند؟ این پژوهش به شیوه‌ی تحلیلی-توصیفی نگاشته شده است.

کلید واژه‌ها: انقلاب اسلامی، ژئوپلیتیک، منطقه‌ی خاورمیانه

مقدمه

انقلاب در لغت به معنی زیر و رو شدن یا پشت و رو شدن است، فلاسفه انقلاب را این گونه بیان می‌نمایند که ذات و ماهیت یک شیئی لزوماً عوض شده باشد و در نگاه جامعه‌شناسان انقلاب به معنای دگر شدن است. حتی نباید بگوییم دگرگون شده زیرا دگرگون شدن یعنی اینکه گونه و کیفیتش جور دیگر شود. به عوض باید بگوییم دگر شدن یعنی تبدیل شدن به موجودی دیگر. انقلاب در ایران دگر شدن جامعه ایرانی بود با یاری گرفتن از آموزه‌های اسلام ناب محمدی که زمینه‌ساز جامعه توحیدی است. مردم ایران به رهبری امام خمینی(ره) در سال ۱۳۵۷ برای پایه‌ریزی نظامی بر اساس احکام دینی و مستقل از شرق کمونیست و غرب لیبرال، انقلاب کردند. این خواست مردم ایران برای تحول در ساختار حکومت و کشور خود گواه بر وقوع یک انقلاب بزرگ بود.

انقلاب اسلامی به عنوان الگویی جدید برای حکومت در قرون جدید و سبکی اسلامی از زندگی، برای بشر معرفی شد. بی‌شک این انقلاب با مشکلاتی که بیشتر ناشی از مقابله‌ی دشمنان آن بود، مواجه گردید. بلوک شرق و غرب با دو نظام کمونیستی و لیبرالیستی سعی در سلطه‌ی کامل بر جهان را داشتند. ظهور انقلاب اسلامی در اثنای رقابت دو بلوک سبب انقلابی در عرصه‌ی ژئوپلیتیک جهانی و منطقه‌ای شد، به‌گونه‌ای که بسیاری از موضوعات که ریشه در گفتمان جهان دو قطبی داشت به سمت رویکرد سوم انقلاب اسلامی به جهان سوق پیدا کرد. انقلاب اسلامی ایران که سبب چنین تحول بزرگی در ایران و جهان، به‌ویژه در جهان اسلام شد، به‌واسطه‌ی یک سری مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی در حال رشد و قدرت‌یابی در جهان اسلام است. هدف نگارنده پرداختن به این مؤلفه‌ها و تحلیل چگونگی اثرگذاری آن‌ها بر قدرت انقلاب اسلامی در جهان اسلام است. لذا مقاله‌ی حاضر به‌دنبال پاسخگویی به این سؤال اساسی است که: چه مؤلفه‌هایی و چگونه سبب قدرت انقلاب اسلامی در جهان اسلام شده‌اند؟ برای پاسخگویی به این سؤال دو دسته مؤلفه تحت عنوان مؤلفه‌های مادی و معنایی ذکر شده است که هر کدام از آن‌ها خود شامل مؤلفه‌های ریزتری می‌شود. شایان ذکر است این مقاله به شیوه‌ی تحلیلی - توصیفی نگاشته شده است.

۱. مؤلفه‌های مادی

۱.۱ دسترسی به مناطق ژئوپلیتیکی

به لحاظ موقعیت ریاضی، کشور ایران بین مدار ۲۵ تا ۳۹ درجه در نیمکره‌ی شمالی و ۴۴ تا ۶۳ درجه‌ی طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار گرفته است. از نظر موقعیت نسبی، ایران در جنوب غربی آسیا واقع است. به طور کلی ایران دارای سه امتیاز موقعیتی است: اولاً این کشور متصل به موقعیت برّی او را سیاست؛ ثانیاً به

سبب دارا بودن سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان از موقعیت بحری برخوردار است؛ ثالثاً به لحاظ در اختیار داشتن تنگه‌ی هرمز دارای موقعیت گذرگاهی است.

از لحاظ موقعیت نسبت به حوزه‌های ژئوپلیتیکی پیرامون، ایران یک موقعیت مرکزی نسبت به کشورهای مجاور خود دارد؛ و در واقع می‌تواند به عنوان کشوری با نسبت ژئوپلیتیکی بالا در تمام حوزه‌های ژئوپلیتیکی اطراف خود حضور داشته باشد و در پیدایش تشکلهای منطقه‌ای و فعال شدن حوزه‌های ژئوپلیتیکی و کارکردهای آن نقش مؤثری داشته باشد و فرآیند سیاسی این حوزه‌ها را شکل دهد (صفوی، ۱۳۷۸: ۷۰). موقعیت برجسته‌ی ایران فرصت‌های عالی برای آن فراهم می‌کند؛ البته آن را در منطقه‌ای که به بی‌ثباتی مشهور است؛ آسیب‌پذیر نیز می‌سازد. ایران با داشتن هفت مرز خشکی با کشورهای همسایه و شش مرز آبی با کشورهای خلیج فارس باید انتظار عواقبی چون سرازیر شدن آوارگان در اثر درگیری در کشورهای همسایه را داشته باشد (پالیزی، ۱۳۸۶: ۵-۶). به لحاظ موقعیت نسبت به همسایگان ایران به همراه چین و پس از روسیه رکورد دار تعداد همسایگان در جهان است (کریمی‌پور، ۱۳۸۰: ۲۴). ایران با پانزده کشور مستقل همجوار است. این کشور از جنوب با دولت-ملتهای مستقل کویت، عربستان، بحرین، قطر، عمارات متحده‌ی عربی و عمان، از شرق با پاکستان و افغانستان، از شمال با ترکمنستان، قزاقستان، روسیه، آذربایجان و ارمنستان و از غرب با ترکیه و عراق همجوار است.

منطقه آسیای جنوب غربی واسط بین سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا است و ایران در این منطقه‌ی ژئوپلیتیکی واقع شده است و به هر حال هر نوع واقعه‌ای که در این قاره‌ها به وقوع بپیوندد و یا روابط سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی بین سه قاره به صورتی بر ایران تأثیر خواهد گذاشت. به‌عنوان مثال در جنگ‌های اول و دوم جهانی با اینکه ایران اعلام بی‌طرفی در جنگ کرده بود، ولی در هر دو جنگ ایران مورد اشغال نظامی قرار گرفت و یا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ضمن اینکه خطر یک قدرت بزرگ در شمال ایران را کاهش داد، اما مسائل جدیدی در وضعیت سیاسی و اقتصادی این سه قاره به وجود آورد که ایران می‌تواند از آن بهره خاصی ببرد. سرهالفورد مکیندر (۱۸۶۱-۱۹۴۷) را باید احتمالاً معروف‌ترین بنیانگذار ژئوپلیتیک سنتی دانست. شهرت او عمدتاً مدیون مقاله‌ای است که با عنوان "محور جغرافیایی تاریخ" در سال ۱۹۰۴ منتشر شد. مکیندر قاره‌های اروپا، آسیا و آفریقا را به عنوان جزیره جهانی می‌شناخت و آن را به همین نام معرفی کرد. جزیره جهانی دو سوم خشکی‌های جهان و هفت هشتم جمعیت دنیا را در بر می‌گیرد. کلید جزیره جهانی، ناحیه محور هارتلند است. وی هارتلند را منطقه‌ی وسیعی می‌دانست که از غرب به رودخانه ولگا، از شرق به سیبری غربی، از شمال به اقیانوس منجمد شمالی و از جنوب به ارتفاعات هیمالیا، ارتفاعات ایران و ارتفاعات مغولستان محدود می‌شد. از نظر او هارتلند از سوی هیچ یک از قدرت‌های دریایی تهدید نمی‌شد. مکیندر عقیده داشت که اطراف منطقه هارتلند را دو ناحیه فراگرفته است: ۱- هلال داخلی یا حاشیه‌ای شامل سرزمین‌هایی که

پشت به خشکی اروسیا و در کنار آب قرار دارند و قابل دسترسی قدرت دریایی هستند و با موقعیت ساحلی که دارند، عمدتاً نقش ژئواستراتژیک ایفا می‌نمایند. هلال داخلی بیشتر کشورهای اروپای غربی، خاورمیانه از جمله ایران و آسیای جنوبی و شرقی را در بر می‌گیرد. ۲- هلال خارجی یا جزیره‌ای که شامل بریتانیا، ژاپن و استرالیا است. مکیندر نهایتاً در سال ۱۹۱۹ بیانیه معروف خود را ارائه داد: کسی که بر شرق اروپا تسلط یابد، بر هارتلند حاکم خواهد بود. کسی که بر هارتلند حاکم شود، بر جزیره جهانی حاکم خواهد بود و کسی که بر جزیره جهانی حاکم باشد، بر دنیا مسلط خواهد بود. با نگاهی به ساختار فضایی نظریه هارتلند، مشخص می‌شود که مکیندر ایران را در این نظریه به دو بخش تقسیم می‌کند. از ارتفاعات البرز به سمت شمال، یعنی تمام مساحت استان‌های گیلان، مازندران و گلستان کنونی، به انضمام منطقه شمال خراسان و نوار باریکی در شمال آذربایجان جزء هارتلند است. در واقع این قسمت از شمال ایران، بخش اندکی از جنوب منطقه‌ای است که او اصطلاحاً آن را "قلب جهان" می‌نامید. بقیه مساحت ایران یعنی از ارتفاعات البرز به سمت جنوب در نظریه مکیندر جزء هلال داخلی است. این بخش از ایران جزء سرزمین‌هایی است که چون کمربند هارتلند را محاصره کرده‌اند. همجواری با هارتلند از یک طرف و دسترسی به آب‌های آزاد از طرف دیگر بهترین موقعیت ارتباطی و استراتژیک را هم برای تهدید هارتلند و هم برای دفاع از آن در اختیار ایران قرار داده است. صحت تصورات مکیندر راجع به نقش منحصر به فرد ایران، در دو جنگ جهانی، بویژه جنگ جهانی دوم که مسیر راه‌آهن شمالی - جنوبی ایران مورد استفاده نیروهای درگیر در جنگ قرار گرفت، مورد تأیید قرار گرفت.

همچنین اهمیت منابع اقتصادی منطقه خلیج فارس و وابستگی شدید آمریکا، اروپا و ژاپن به منابع انرژی این منطقه و علم به اینکه ایران با ثبات‌ترین و قدرتمندترین کشور منطقه است و با داشتن سواحل طولانی ۲۰۲۵ کیلومتری شمال خلیج فارس و در اختیار داشتن جزایر بسیار مهم لارک، قشم، هنگام، جزایر سه‌گانه ابوموسی، تنب‌بزرگ و کوچک و تسلط بر تنگه استراتژیک هرمز، این کشور از موقعیت برتر جغرافیایی برخوردار می‌باشد. اسپایکمن در کتاب "جغرافیای صلح" که بعد از مرگش در سال ۱۹۴۴ به چاپ رسید، عقاید خود را که بیشتر در نقد اندیشه‌های مکیندر و هاوس هوفر بود، بیان کرده است. او چهارچوب فضایی نظریه مکیندر را می‌پذیرد، اما به جای هارتلند، هلال داخلی را که وی آن را اصطلاحاً سرزمین حاشیه یا ریملند می‌نامد، واجد اهمیت می‌داند. از نظر اسپایکمن، منطقه ریملند کارکرد اصلی را دارد و منشأ اصلی تولید قدرت محسوب می‌شود. این منطقه در قالب یک فضای جغرافیایی دو وجهی که ترکیب آب و خشکی است، قرار می‌گیرد. در عین حال در نظریه ریملند، سهولت حرکت در دریا و تجارت دریایی، امکان برقراری یک سلطه مافوق را که نمونه‌ای از ساخت ژئوپلیتیک جدید است، امکان‌پذیر می‌سازد و این باعث می‌شود تا اسپایکمن در نهایت قدرت دریایی را کلید استراتژی جهانی در نظر بگیرد. اسپایکمن در نظریه خود ایران را در قلمرو ریملند جای می‌دهد. قلمرویی که بین منطقه‌محور یا قلب زمین و آب‌های پیرامون قرار گرفته است و اکثر رقابت‌ها و

مخاصمات قدرت‌های دریایی و زمینی در آن به وقوع می‌پیوندد. از نظر تاریخی، ریملند محل ایجاد قدرت‌های کلاسیک قدیم مانند چین، هند، ایران، عثمانی، روم و... بوده است. ایران معاصر در این نظریه از آنجا که جزئی از ریملند است، موضوع رقابت دو قدرت بری و بحری است. ایران به عنوان بخش حساس ریملند، میدان رقابتی برای قدرت‌ها است و بدون تردید هرکس این منطقه را کنترل کند می‌تواند قدرت جهانی را کنترل کند و بر رقیبان پیروز شود. چنین به نظر می‌رسد که سیاست‌های جهانی دوره‌ی جنگ سرد و بعد از آن را نظریه ریملند شکل داده است و هنوز هم سیاست‌های جهانی تحت تاثیر این نظریه است. بیشتر وقایع تاریخ معاصر ایران نیز در قالب این نظریه قابل تحلیل است. موقعیت بی‌نظیر ایران باعث شده بود تا به عنوان مهم‌ترین قسمت منطقه ریملند ایفای نقش کند. این واقعیت باعث شد تا برخی نیروهای سیاسی داخلی از وضعیت موجود که همانا تأثیرپذیری مسائل کشور از دو قدرت برتر بود، خسته شوند و به دنبال نیروی سومی باشند. آنچه در زمان امیرکبیر، اولین پیوندهای بین ایران و آمریکا را رقم زد، آنچه در دوران قاجار، انقلاب مشروطه مردم ایران را شکل داد، مسائلی که در زمان رضاشاه پهلوی منجر به حضور پررنگ‌تر آلمان به عنوان نیروی سوم شد و نهایتاً واقعیت‌هایی که به آفرینش پرشکوه‌ترین انقلاب مردمی در تاریخ بشر به رهبری امام خمینی انجامید، همگی پنجره‌های گریز از وضعیتی بودند که قرار بود بر اساس نظریه ریملند، ایران آن را به عهده داشته باشد. کشور ایران یک موقعیت مرکزی نسبت به کشورهای مجاور خود دارد. در واقع می‌تواند به‌عنوان کشوری با نسبت ژئوپلیتیکی بالا در تمام حوزه‌های ژئوپلیتیکی اطراف خودش حضور داشته باشد و در پیدایش تشکل‌های منطقه‌ای و فعال شدن حوزه‌های ژئوپلیتیکی و کارکردهای آن، نقش موثری داشته باشد و فرآیند سیاسی این حوزه‌ها را شکل دهد.

در کل کشور ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی در جنوب غرب آسیا بخش وسیعی از فلات ایران را در بر می‌گیرد. موقعیت خاص ایران به گونه‌ای است که مرکز ثقل یکی از بزرگ‌ترین شبکه‌های ارتباطی جهان قرار گرفته و همچون پلی اروپا را به خاور دور و کشورهای آسیای مرکزی و ماورا قفقاز را به جنوب وصل می‌کند، در رابطه با موقعیت ریاضی تمام خاک ایران در منطقه معتدل کره زمین واقع است، در رابطه با موقعیت نسبی اگرچه از اقیانوس‌ها و دریاهای بزرگ فاصله دارد ولی در دو سوی شمال و جنوب به دریا منتهی می‌شود. همجواری ایران با دو پهنه آبی خزر و خلیج فارس علاوه بر سهولت ارتباط دریایی و مسئله صادرات و واردات موقعیت ژئوپلیتیکی خاصی را به ایران بخشیده است، حوزه‌های ژئوپلیتیکی مجاور ایران عبارتند از:

- ۱- حوزه قفقاز آناتولی: شامل کشورهای جمهوری اسلامی ایران، ارمنستان، گرجستان و روسیه؛ ۲- حوزه ژئوپلیتیکی خلیج فارس: شامل ایران، عراق، کویت، عربستان، امارات متحده عربی، قطر، بحرین و عمان؛ ۳- حوزه ژئوپلیتیکی دریای عمان اقیانوس هند: شامل ایران، پاکستان، هند، عمان و امارات متحده عربی؛ ۴- حوزه ژئوپلیتیکی فلات ایران: شامل کشورهای ایران، پاکستان و افغانستان؛ ۵- حوزه ژئوپلیتیکی آسیای

مرکزی: شامل ترکمنستان، قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان (ایران همانند پلی این کشورها را به جهان خارج مرتبط می سازد) (مقدم فر، ۱۳۸۹).

همان طور که دیده شد، دسترسی های منحصر به فرد ایران مناطق مختلف ژئوپلیتیکی سبب تسلط این کشور در حوزه ی بازیگری خود، به ویژه در منطقه ی خاورمیانه در تعریف سنتی و جدیدش (خاورمیانه ی بزرگ) شده است. کشور ایران از سال ۱۳۵۷ با تکیه بر مزیت های ژئوپلیتیکی خود و ایجاد کمربندی از متحدان مسلمان و اکثراً شیعی خود و نیز پیوند با ملت های مسلمان سایر کشورها که ناشی از دسترسی ویژه خود به مناطق ژئوپلیتیکی جهان اسلام است، به تقویت بنیادهای مادی و معنوی انقلاب اسلامی پرداخته است. چه بسا در صورت قرارگیری ایران در موقعیت ضعیف ژئوپلیتیکی و با دسترسی کم امکان ایجاد شبکه هایی متشکل از مسلمانان دیگر کشورها و طرح ایران بعنوان کشوری اثرگذار در جریانات جهان اسلام ممکن نبود.

۱.۲ استقرار در میادین انرژی

سرزمین ایران می تواند مسیر انتقال بین آسیای مرکزی و اقیانوس های دنیا باشد. نظریات تصریح کرده است که علاقه مند به ارسال نفت و گاز کشور مطبوعه اش به سمت جنوب از طریق ایران به خلیج فارس می باشد که از آنجا امکان صادرات به هندوستان، چین و اروپا و سایر مناطق دنیا فراهم گردد (Weitz, 2007: 139). در حال حاضر، قزاقستان تنها بخش اندکی از نفت خویش را به ایران جهت سوپا ارسال می کند. سالانه بیش از یک میلیون بشکه نفت از طریق آکتائو، بخش جنوب غربی قزاقستان، به خلیج فارس انتقال می یابد. بهبود امکانات بخش آکتائو موقعیت خوبی در اختیار قزاقستان قرار می دهد تا از هر گونه تغییر در وضعیت ایران بهره مند گردد (Central Asia-Caucasus Institute Analyst, 2004: 20). سران روسیه و هندوستان در پی ایجاد یک مسیر یا خط آهن که روسیه و خلیج فارس را به هم پیوند دهد و در بین مسیر از قزاقستان، ترکمنستان و ایران عبور نماید (Starr, 2007: 22). سران ایران و روسیه در پی آن هستند که از ایجاد خط لوله نفت و گاز از میان دریای خزر که باعث ارتباط بین قزاقستان و آذربایجان می شود و بدین ترتیب روسیه و ایران کنار گذاشته می شوند، جلوگیری کنند، گذشته از فقدان چارچوب قانونی مورد توافق جهت حاکمیت در زیر دریا، دو کشور ایران و روسیه متوسل به آسیب های محیط زیست جهت جلوگیری از گسترش روابط انرژی قزاقستان با کشورهای اروپایی می شوند. مقامات رسمی قزاقستان نیز در مقابل، مخالفت آشکار خویش با حضور حکومت کنونی ایران در سازمان همکاری شانگهای ابراز می دارند (Daly, 2008: 21).

علايق اتحادیه اروپا به جمهوری اسلامی ایران دلایل سیاسی و اقتصادی دارند. ایران به عنوان دومین دارنده ذخائر گاز دنیا (۱۶ درصد از منابع جهانی) و سومین کشور بزرگ دارای ذخائر نفت دنیا (۹/۹ درصد از ذخائر جهانی) محسوب می شود (Mitteilung, 2001: 71).

ایران در استراتژی‌های اروپا به‌ویژه در زمینه استراتژی آسیای مرکزی و توسعه‌ی حوزه‌ی دریای سیاه نقش بسیار مهمی را برعهده دارد، منابع این کشور برای روسیه و چین نیز از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد. کنترل ایران بر تنگه هرمز، که حدود یک سوم تجارت جهانی انرژی از طریق آن صورت می‌گیرد، نقش اساسی کشور اسلامی ایران برای امنیت تأمین انرژی را به وضوح نشان می‌دهد (Grewe, 2006: 7).

ذخائر غنی نفت و گاز و موقعیت ژئواستراتژیک ایران، فرضیات را تقویت می‌کنند که آینده حوزه‌ی خلیج فارس بشدت تحت تأثیر ایران خواهد بود. کمیسیون درخواست روابط اقتصادی دوجانبه از طریق امضاء قرارداد مشارکت و بازرگانی را به ایران ارائه داد و پیشنهاد فعالیت گروه‌های کاری مختلط از ایران و کمیسیون اروپا در زمینه‌ی سیاسی انرژی، تجارت و سرمایه‌گذاری را مطرح کرد. در سال ۱۹۹۹ عضویت ناظر در برنامه‌ی اینوگیت (شبکه انتقال نفت و گاز به اروپا) به ایران پیشنهاد شد (Grewe, 2006: 10).

منطقه خاورمیانه به تنهایی ۵۴/۴ درصد از ذخائر اثبات شده نفت دنیا و ۴۰/۴ درصد از ذخائر اثبات شده گاز دنیا را در اختیار دارد. اما با در نظر گرفتن این واقعیت که تا سال ۲۰۲۰ تقاضای جهانی انرژی تقریباً ۵۰ درصد افزایش می‌یابد، خلیج فارس باید تولیدات نفت خویش را به حدود ۸۰ درصد برساند (Umbach, 2000: 112). این موضوع تنها زمانی امکان‌پذیر است که سرمایه‌گذاری کافی خارجی صورت بگیرد، تحریم‌های کشورهای منطقه کنار گذاشته شوند و کل منطقه ثبات سیاسی پایداری داشته باشند (Umbach, 2005: 139). این واقعیت بیانگر اهمیت بیش از حد کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس در مبادلات انرژی است. در صورت ایجاد مشکل در این منطقه و تأخیر در استخراج و صادرات انرژی نفت و گاز جهان با بحران بزرگی مواجه خواهد شد. چرا که همان‌طور که قبلاً اشاره شد، به‌رغم رشد انرژی‌های غیر فسیلی، هنوز نفت و گاز نبض حیاتی جهان را در دست دارند و بنابراین پیدایش مشکل در مسیر صادرات این نوع انرژی مساوی با ظهور با بحرانی عظیم در جهان است.

همان‌طور که در نقشه‌های (۱) و (۲) مشاهده می‌کنیم بیشتر حجم ذخایر نفت و گاز جهان در حوزه‌ی اطراف کشور ایران واقع شده‌اند و این امر در کنار اهمیت ذخایر کشور ایران، اهمیت استراتژیک و مرکزی آن در منطقه‌ی انرژی را نشان می‌دهد. این موقعیت مرکزی ایران امکان بهره‌بری از این وضعیت را در اقدامات سیاسی، نظامی و اقتصادی فراهم می‌نماید. از این‌رو به‌رغم مسائل اقتصادی که ایران را تنها صاحب منابع خود می‌داند، ولی از نظر ژئوپولیتیکي قرارگیری در مرکز منطقه‌ی اصلی انرژی جهان و دارا بودن جایگاه قابل توجه در ذخایر نفت و گاز در جمع با موقعیت حد واسط شرق- غرب و شمال- جنوب و اتصال منطقه انرژی آسیای مرکزی به آب‌های آزاد و اروپا، همگی سبب ارتقای وضعیت و جایگاه ژئوپولیتیکي ایران نسبت به دیگر تولیدکنندگان نفت و گاز می‌شود.

نقشه‌ی شماره‌ی (۱): نقشه پراکنش ذخایر نفت در اواخر سال ۲۰۰۹ میلادی؛ (BP, June 2010)



نقشه‌ی شماره‌ی (۲): پراکنش ذخایر گاز طبیعی در اواخر سال ۲۰۰۹؛ (BP, June 2010)



تأمین تقاضای نفت و گاز جهانی فقط به‌واسطه افزایش تولید در خلیج فارس و در سطحی پائین‌تر از طریق حوزه خزر و روسیه صورت می‌گیرد:

- حدود ۹۰ درصد از ذخائر اثبات شده‌ی نفت خام در جهان اسلام واقع شده است و بیشتر حوزه‌های کشف نشده نیز در آسیای مرکزی، حوزه خزر و خلیج فارس می‌باشند؛ ۷۰ درصد ذخائر نفت خام جهان و ۴۰ درصد ذخائر گاز طبیعی در حوزه‌ی «هلال استراتژیک» به‌ویژه در منطقه «خاورمیانه بزرگ» (خلیج فارس/ حوزه خزر) واقع شده است. شش عضو شورای همکاری خلیج فارس - بحرین، کویت، قطر، امارات متحده عربی، عمان و عربستان سعودی - ۴۵ درصد ذخائر اثبات شده نفت و ۱۵ درصد ذخائر اثبات شده گاز جهان را در اختیار دارند. این کشورها به همراه ایران و عراق بیش از ۶۲ درصد مجموع ذخائر نفت و ۳۴ درصد ذخائر گاز جهان را دارا می‌باشند (Singer & Gopi, 2001: 46). با توجه به موارد ذکر شده کشور ایران به‌طور جالب توجهی در مرکز ثقل انرژی در جهان اسلام، بیضی انرژی و حوزه‌ی خلیج فارس قرار گرفته است. این قرارگیری ایران در لایه‌های مختلف ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی سبب پیدایش جایگاه بسیار بالایی برای ایران شده است. کشور ایران با دسترسی به منطقه هلال استراتژیک و حوزه‌های خزر و خلیج فارس به‌طور جداگانه جایگاه خاصی پیدا می‌کند و با توجه به ایدئولوژی سیاسی کشور ایران، قرارگیری بیشتر منابع نفت و گاز در جهان اسلام به افزایش مانور ایران در حوزه‌ی انرژی کمک می‌کند. این امر سبب توانایی بیشتر ایران در پیگیری اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی در منطقه‌ی خاورمیانه و جهان اسلام شده است. قرارگیری در لولای انرژی جهان سبب اثرگذاری ایران بر نبض اقتصادی جهان به سود گسترش و صدور آرمان‌های انقلابی خود است. بدون تصور این موقعیت ژئواکونومیک ایران، بخشی از موفقیت‌های انقلاب اسلامی در توسعه و بسط خود را نمی‌توان تحلیل کرد.

۱.۳ منابع و ذخایر سرشار انرژی

از نظر میزان ذخایر کشور ایران در جایگاه بالایی قرار دارد. در قسمت ذخایر نفت ایران در سال ۲۰۱۰ با ۱۳۷ هزار میلیون بشکه، معادل ۱۸/۸ میلیون تن، ۹/۹ درصد ذخایر نفت را به خود اختصاص داده و بعد از عربستان سعودی با ۲۶۴/۵ هزار میلیون بشکه یا ۳۶/۳ هزار میلیون، ۱۹/۱ درصد از ذخایر نفت جهان، و ونزوئلا با ۲۱۱/۲ هزار میلیون بشکه یا ۳۰/۴ هزار میلیون تن معادل ۱۵/۳ درصد ذخایر نفت جهان، ایران در رده‌ی سوم دارندگان ذخایر نفت قرار می‌گیرد. پس از ایران نیز عراق با ۱۱۵/۰ هزار میلیون بشکه و کویت با ۱۰۱/۵، به ترتیب با ۸/۳ و ۷/۳ درصد از ذخایر نفت جهان در رده‌های بعدی قرار دارند.

جدول شماره ۱) میزان ذخایر نفت ایران و جهان؛ (BP, June 2011)

کشور	پایان سال			پایان سال ۲۰۱۰		
	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۹	هزار میلیون بشکه	هزار میلیون بشکه	سهام از کل
عربستان سعودی	۲۶۰/۳	۲۶۲/۸	۲۶۴/۶	۳۶/۳	۲۶۴/۵	٪۱۹/۱
ونزوئلا	۶۰/۱	۷۶/۸	۲۱۱/۲	۳۰/۴	۲۱۱/۲	٪۱۵/۳
ایران	۹۲/۹	۹۹/۵	۱۳۷/۰	۱۸/۸	۱۳۷/۰	٪۹/۹
عراق	۱۰۰/۰	۱۱۲/۵	۱۱۵/۰	۱۵/۵	۱۱۵/۰	٪۸/۳
کویت	۹۷/۰	۹۶/۵	۱۰۱/۵	۱۴/۰	۱۰۱/۵	٪۷/۳
خاورمیانه	۶۵۹/۶	۶۹۶/۷	۷۵۲/۶	۱۰۱/۸	۷۵۲/۵	٪۵۴/۴
جهان	۱۰۰۳/۲	۱۱۰۴/۹	۱۲۷۶/۶	۱۸۸/۸	۱۳۸۳/۲	٪۱۰۰

در رابطه با میزان ذخایر گاز طبیعی نیز ایران در سال آخر سال ۲۰۱۰ با ۱۰۴۵/۷ تریلیون فوت مکعب یا ۲۹/۶ متر مکعب و با ۱۵/۸ درصد از ذخایر گاز طبیعی جهان، پس از روسیه (با ۱۵۸۰/۸ تریلیون فوت مکعب یا ۲۹/۶ تریلیون متر مکعب، معادل ۲۳/۹ درصد از کل ذخایر گاز طبیعی جهان)، در رده‌ی دوم جهان قرار دارد و پس ایران کشورهای قطر (با ۱۳/۵ درصد)، ترکمنستان (با ۴/۳ درصد)، عربستان (با ۴/۳ درصد)، در رده‌های بعدی دارنده گان ذخایر گاز طبیعی قرار دارند.

جدول شماره ۲) میزان ذخایر گاز طبیعی ایران و جهان؛ (BP, June 2011)

کشور	آخر ۱۹۹۰		آخر ۲۰۰۰		آخر ۲۰۰۹		آخر ۲۰۱۰	
	تریلیون متر مکعب	تریلیون متر مکعب	تریلیون متر مکعب	تریلیون متر مکعب	تریلیون متر مکعب	تریلیون فوت مکعب	تریلیون فوت مکعب	سهام از کل
روسیه	--	۴۲/۳	۴۴/۴	۴۴/۴	۱۵۸۰/۸	۴۴/۸	۴۴/۸	٪۲۳/۹
ایران	۱۷/۰	۲۶/۰	۲۹/۶	۲۹/۶	۱۰۴۵/۷	۲۹/۶	۲۹/۶	٪۱۵/۸
قطر	۴/۶	۱۴/۴	۲۵/۳	۲۵/۳	۸۹۴/۲	۲۵/۳	۲۵/۳	٪۱۳/۵
ترکمنستان	--	۲/۶	۸/۰	۸/۰	۲۸۳/۶	۸/۰	۸/۰	٪۴/۳
عربستان	۵/۲	۶/۳	۷/۹	۷/۹	۲۸۳/۱	۸/۰	۸/۰	٪۴/۳
خاورمیانه	۳۸/۰	۵۹/۱	۷۵/۷	۷۵/۷	۲۶۷۷/۰	۷۵/۸	۷۵/۸	٪۴۰/۴
جهان	۱۲۵/۷	۱۵۴/۳	۱۸۶/۶	۱۸۶/۶	۶۶۰۸/۹	۱۸۷/۱	۱۸۷/۱	٪۱۰۰/۰

برخلاف میزان ذخایر کشور ایران، در زمینه تولیدات جایگاه ایران در مقایسه با ذخایرش در جهان پائین است. این امر به تکنولوژی استخراج منابع نفت و گاز بستگی دارد که به دلیل تحریم‌های گسترده معمولاً ایران از دسترسی به آن‌ها محروم است. ایران در زمینه‌ی تولید و استخراج نفت، بعد از روسیه با ۱۲/۹ درصد تولید جهانی، عربستان با ۱۲/۰ درصد و ایالات متحده‌ی آمریکا با ۸/۷ درصد از کل تولید جهانی، با ۵/۲ درصد از تولید جهانی نفت در رتبه چهارم تولید نفت جهان قرار دارد. این میزان تولید ایران می‌تواند با افزایش و ارتقاء سطح تکنولوژی به رتبه‌ای معادل جایگاه ایران در ذخایر جهانی نفت برسد.

جدول شماره‌ی (۳): میزان تولید نفت ایران و جهان: از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰؛ (BP, June 2011)

هزار بشکه در روز												کشور
۲۰۱۰		۲۰۰۹	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۰	
سهم از کل	هزار بشکه در روز											
۱۲/۹٪	۱۰۲۷۰	۱۰۰۲۵	۹۸۸۸	۹۹۷۸	۹۷۶۹	۹۵۵۲	۹۲۸۷	۸۵۴۴	۷۶۹۸	۷۰۶۵	۶۵۳۶	روسیه
۱۲/۰٪	۱۰۰۰۷	۹۸۹۳	۱۰۸۴۶	۱۰۴۴۹	۱۰۸۵۳	۱۱۱۱۴	۱۰۶۳۸	۱۰۱۶۴	۸۹۲۸	۹۲۰۹	۹۴۹۱	عربستان
۸/۷٪	۷۵۱۳	۷۲۷۱	۶۷۳۴	۶۸۴۷	۶۸۴۱	۶۸۹۵	۷۲۲۸	۷۴۰۰	۷۶۲۶	۷۶۶۹	۷۷۳۳	آمریکا
۵/۲٪	۴۲۴۵	۴۱۹۹	۴۳۲۷	۴۳۲۲	۴۲۸۶	۴۲۳۴	۴۲۴۸	۴۱۸۳	۳۷۰۹	۳۸۹۲	۳۸۵۵	ایران
۵/۰٪	۴۰۷۱	۳۸۰۰	۳۸۰۹	۳۷۳۷	۳۷۰۵	۳۶۲۷	۳۴۸۱	۳۴۰۱	۳۳۴۶	۳۳۰۶	۳۲۵۲	چین
۴/۲٪	۳۳۳۶	۳۲۲۴	۳۲۵۱	۳۲۹۷	۳۲۰۸	۳۰۴۱	۳۰۸۵	۳۰۰۴	۲۸۵۸	۲۶۷۷	۲۷۲۱	کانادا
۳/۷٪	۲۹۵۸	۲۹۷۹	۳۱۶۷	۳۴۷۱	۳۶۸۳	۳۷۶۰	۳۸۲۴	۳۷۸۹	۳۵۸۵	۳۵۶۰	۳۴۵۰	مکزیک
۳/۳٪	۲۸۴۹	۲۷۵۰	۳۰۸۸	۳۰۵۳	۳۱۴۹	۲۹۸۳	۲۸۴۷	۲۶۹۵	۲۳۹۰	۲۵۵۱	۲۶۲۰	امارات
۳۰/۳٪	۲۵۱۸۸	۲۴۶۲۹	۲۶۳۳۸	۲۵۳۰۹	۲۵۶۷۵	۲۵۴۸۸	۲۴۹۸۱	۲۳۴۴۲	۲۱۸۵۸	۲۳۱۲۰	۲۳۵۴۷	خاورمیانه
۱۰۰٪	۸۲۰۹۵	۸۰۳۷۸	۸۲۰۱۵	۸۱۵۴۴	۸۱۷۳۹	۸۱۴۸۵	۸۰۵۶۸	۷۷۰۷۵	۷۴۷۰۰	۷۴۹۰۶	۷۴۸۹۳	جهان

در حوزه‌ی تولید و استخراج گاز طبیعی نیز ایران به دلیل محدودیت‌های تکنولوژیکی در جایگاه واقعی خود قرار ندارد. ایران در سال ۲۰۱۰ با ۴/۳ درصد تولید و استخراج گاز طبیعی جهان، معادل ۱۳۸/۵ میلیون متر مکعب، پس از آمریکا با ۱۹/۳ درصد، روسیه با ۱۸/۴، کانادا با ۵/۰، در جایگاه چهارم قرار دارد.

جدول شماره ۴ (ع): میزان تولید گاز طبیعی ایران و جهان: از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ (BP, June 2011)

میلیون متر مکعب												میزان کشور
۲۰۱۰		۲۰۰۹	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۰	
سهم از کل	میلیون متر مکعب											
۱۹/۳٪	۶۱۱/۰	۵۸۲/۸	۵۷۰/۸	۵۴۵/۶	۵۲۴/۰	۵۱۱/۱	۵۲۶/۴	۵۴۰/۸	۵۳۶/۰	۵۵۵/۵	۵۴۳/۲	آمریکا
۱۸/۴٪	۵۸۸/۹	۵۲۷/۷	۶۰۱/۷	۵۹۲/۰	۵۹۵/۲	۵۸۰/۱	۵۷۳/۳	۵۶۱/۵	۵۳۸/۸	۵۲۶/۲	۵۲۸/۵	روسیه
۵/۰٪	۱۵۹/۸	۱۶۳/۹	۱۷۶/۴	۱۸۲/۵	۱۸۸/۴	۱۸۷/۱	۱۸۳/۷	۱۸۴/۷	۱۸۷/۹	۱۸۶/۵	۱۸۲/۲	کانادا
۴/۳٪	۱۳۸/۵	۱۳۱/۲	۱۱۶/۳	۱۱۱/۹	۱۰۸/۶	۱۰۳/۵	۸۴/۹	۸۱/۵	۷۵/۰	۶۶/۰	۶۰/۲	ایران
۳/۶٪	۱۱۶/۷	۸۹/۳	۷۷/۰	۶۳/۲	۵۰/۷	۴۵/۸	۳۹/۲	۳۱/۴	۲۹/۵	۲۷/۰	۲۳/۷	قطر
۱۴/۴٪	۴۶۰/۷	۴۰۷/۱	۳۸۴/۳	۳۵۷/۸	۳۳۹/۱	۳۱۹/۹	۲۸۵/۱	۲۶۲/۹	۲۴۷/۲	۲۳۳/۳	۲۰۸/۱	خاورمیانه
۱۰۰٪	۳۱۹۳/۳	۲۹۷۵/۹	۳۰۶۲/۱	۲۹۵۰/۵	۲۸۸۰/۷	۲۷۷۸/۰	۲۶۹۴/۰	۲۶۱۶/۵	۲۵۱۹/۴	۲۴۷۸/۰	۲۴۱۳/۴	جهان

در کنار موقعیت ژئواکونومیک بی نظیر ایران، منابع غنی انرژی این کشور نیز سبب افزایش وزن ژئوپلیتیک آن شده است؛ چیزی که به نوبه‌ی خود در خدمت اقتدار ایران انقلابی و تقویت بنیه‌های اقتصادی و به تبع سیاسی انقلاب اسلامی می‌گردد. امروزه سرمایه‌گذاری‌های جمهوری اسلامی ایران در کشورهای مسلمان آسیا و آفریقا و نیز کشورهای دوست در آمریکای لاتین ناشی از این توانمندی‌های ژئواکونومیکی ایران است.

۲. مؤلفه‌های معنایی

گذشته از عوامل مادی که سبب تقویت انقلاب اسلامی و قدرت‌یابی آن در جهان اسلام می‌گردد، مباحث معنایی نیز به‌عنوان مؤلفه‌هایی حیاتی در قدرت انقلاب اسلامی مطرح‌اند، به‌طوری که بدون در نظر گرفتن مؤلفه‌های معنایی موضوعیتی برای طرح مؤلفه‌های مادی نمی‌ماند. در زیر به شرح این مؤلفه‌های معنایی می‌پردازیم.

۲.۱ زیربنای ژئوپولیتیکي انقلاب اسلامی

خاورمیانه و شمال آفریقا طی دو دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ شاهد ظهور، گسترش و گاه افول جریان‌های گوناگونی بوده است که خود را ذیل عنوان «اسلام‌گرا» تعریف می‌کردند. فعالیت این جریان‌ها، فارغ از نتایج آن، توجه سیاست‌مداران و تحلیل‌گران را بیش از گذشته به پدیده اسلام سیاسی جلب کرد. در این میان، تشدید فعالیت «جنبش‌های اسلام‌گرا» تنها پدیده‌ای نبود که جلب توجه می‌کرد، بلکه ظهور یک «دولت اسلام‌گرا» در ایران بسیار جذاب‌تر می‌نمود. ایران اینک به آزمایشگاه زنده‌ای برای آزمون توانایی و ظرفیت ایدئولوژی جدید، دست‌کم قرائت شیعی آن، درآمده بود (نبوی، ۱۳۸۹: ۹-۸). از نظر فیشر با انقلاب ۱۳۵۷ (۱۹۷۹م)، مؤمنان می‌توانستند معنویت و دینداری خویش را در قالب یک انقلاب در این جهان مادی فریاد بزنند، انقلابی که بر همه فریبکاری‌های تباه‌کننده و فساد گذشته فائق خواهد آمد، و تحت رهبری آیت‌الله‌خمينی جامعه دینی را بر خواهد انگيخت (Fischer, 1980: 129).

انقلاب ایران نیز نتیجه بیداری اسلامی در برابر نظم جاهلی غربی و ایادی آن یعنی رژیم پهلوی بود. انقلاب اسلامی ایران همواره به‌دنبال صدور انقلاب اسلامی به تمامی کشورهای جهان اسلام و بیداری مسلمانان و خیزش آنها علیه مستکبران بوده و هست. طبق نظر رهبران انقلاب اسلامی ایران سردمداران سکولار کشورهای مسلمان این حکومت‌ها را غصب کرده‌اند و مردم مسلمان باید علیه آنها قیام و حکومت اسلامی را در مملکت خود برقرار کنند. در این راستا امام خمینی (ره) در یکی از سخنرانی‌هایش کشورهایمانند ترکیه را ایادی نظم جاهلی و استکبار جهانی محسوب کرده و وظیفه حکومت اسلامی می‌داند که مردم مسلمان را از اسارت این حکومت‌ها نجات دهند (موسوی‌خمينی، ۱۳۶۲: ۲۸-۲۷).

انقلاب اسلامی ایران منتهی به حکومتی اسلامی شد که بر پایه مفاهیم اسلامی برنامه‌ریزی کرده و سیاست خارجی خود را نیز براساس هویت اسلامی بنا نهاده است. مفاهیم شهادت، ایثار، دفاع از مظلوم و ایستادگی در برابر ظلم و استکبار و کفر، نفی سبیل، پیوند دین و سیاست و توجه و اولویت دادن به امت اسلامی در قیاس با ملت همگی در متن سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران مشاهده می‌شود. این کشور براساس همین اصول اسلامی و تفسیر شیعی خود به قطع رابطه با آمریکا بعنوان استکبار و نفی موجودیت رژیم صیونیستی پرداخته است. این مسائل هزینه‌هایی را در بر داشته است که در برخی دوره‌های سیاست خارجی ایران سعی شده تا به نحوی در هویت کنشگران ایرانی بازنمایشی صورت گیرد. اما باید توجه داشت که آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران و قانون اسلامی که مبنای عمل سیاسی در داخل و خارج کشور قرار گرفته است، حدودی را مشخص نموده است که به‌رغم تعامل با دنیای خارج می‌بایستی برای حفظ ارزش‌های انقلاب اسلامی و حکومت اسلامی و جلوگیری از شکل‌گیری راه‌های نفوذ و سلطه استکبار غرب و شرق - نفی سبیل - کنشگران به حفظ هویت‌های اسلامی خود بپردازند. در اینجا ما شاهد تضاد بین گفتمان انقلاب

اسلامی و لیبرال دموکراسی غرب هستیم. این دو گفتمان هم در هویت و ساختار معنایی و هم در ساختار منافع ناشی از این هویت‌ها با یکدیگر تعارض‌هایی دارند. گفتمان انقلاب اسلامی با نگاهی به ساختار دولت-ملت‌ها در گفتمان غربی به ساختار امتی در جهان اسلام توجه دارد و سعی در بازسازی و اتحاد در بین امت اسلامی پیامبر را دارد (افضلی، ۱۳۸۷: ۵۰). این رویکرد انقلاب اسلامی ریشه در گذشته‌ی سیاسی تشیع از دوره‌های حکومت صفویه و قاجاریه و نیز آرمان‌های روشنفکران دینی ایرانی از جمله سیدجمال‌الدین اسدآبادی دارد (افضلی، ۱۳۸۷: ۴۳ و الگار، ۱۳۶۹: ۳۰۲ و کرمانی، ۱۳۶۳: ۸).

گفتمان انقلاب اسلامی با ظهور خود ساختار ژئوپلیتیکی استعمارزده و تحت حاکمیت لیبرال دموکراسی جهان اسلام و به‌ویژه منطقه خاورمیانه را به چالش کشید و با شعار بازگشت به اسلام و بازسازی گفتمان اسلامی نوعی پویایی را در سطح ژئوپلیتیک منطقه به‌وجود آورد. اهداف کلی بیان شده از سوی گفتمان انقلاب اسلامی که سبب تغییر در نظم ژئوپلیتیکی در جهان اسلام و حداقل خاورمیانه شد به شرح ذیل‌اند:

- استقرار حاکمیت اسلام و حفظ وحدت جهان اسلام؛
- مبارزه با دشمنان اسلامی، استعمارگران و استثمارگران سرزمین‌های اسلامی؛
- مبارزه با ظلم، سلطه و استعمار در سطح جهانی؛
- کمک به نهضت‌های اسلامی، انسانی و رهایی‌بخشی در سطح جهان؛
- استقرار صلح و آرامش در جهان از راه براندازی ظلم، سلطه و استعمار و غیره (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۳).

جمهوری اسلامی ایران و الگوی انقلاب اسلامی به عنوان تنها الگوی اسلامی است که از یک سو به‌دنبال ایجاد تعامل با کشورهای غیر معارض - مانند چین و روسیه و غیره - و کشورهای دوست - مانند عراق، سوریه و غیره - و نیز سایر کشورهای اسلامی - به رغم رقابت و حمایت برخی از آن‌ها از غرب مانند ترکیه، عربستان، قطر و غیره - و از سوی دیگر در صدد ایجاد توازن قوا با غرب به‌وسیله‌ی توسعه‌ی اقتصادی، سیاسی و نظامی خود است، تا به‌جای اجبار به تغییر ساختار هویتی خود، به تثبیت خود در ساختار ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و جهانی بپردازد (متقی و رشیدی، ۱۳۹۱).

۲.۲ پراکنش جغرافیایی تشیع و موقعیت ایران

ژئوپلیتیک شیعه، به عنوان یکی از مهم‌ترین موضوعات ژئوپلیتیکی شایان توجه است. ژئوپلیتیک شیعه، به مفهوم امتداد جغرافیای سیاسی شیعیان در کشورهای مختلف با هارتلند ایران در حال باز تعریف است، چرا که در ژئوپلیتیک در حال گذار، تأکید بر متغیرهای ثابت ژئوپلیتیک و تکیه بر نظریه‌های سنتی آن، راهگشا نبود و توجه به عوامل فرهنگی، مذهبی و ایدئولوژیک، عرصه‌های نوینی از هم‌نشینی جغرافیا با سیاست و قدرت را به وجود آورده است.

از نظر جغرافیایی بیشتر شیعیان در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس زندگی می‌کنند. در این منطقه کشوری که هم از نظر کل جمعیت و هم از نظر درصد، بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است، ایران است. بر اساس بیشتر آمارها، ۹۰ درصد از جمعیت ۷۶ میلیونی ایران را شیعیان تشکیل می‌دهند که این تعداد بیش از ۴۰ درصد کل جمعیت شیعه جهان است. بنابراین در این موضوع که ایران کانون جوامع شیعی جهان به شمار می‌رود، هیچ گونه ابهامی باقی نمی‌ماند؛ واقعیتی مسلم و انکارنشدنی که بیشتر صاحب‌نظران به آن اذعان دارند (احمدی، ۱۳۸۶: ۸ و احمدی و موسوی، ۱۳۸۹: ۴).

پس از ایران بیشتر شیعیان در کشورهای زندگی می‌کنند که عمدتاً در اطراف ایران هستند و بیشتر آنها با ایران پیوستگی جغرافیایی (مرز خشکی یا آبی) دارند. عراق، بحرین، آذربایجان، عربستان سعودی، ترکیه، پاکستان، افغانستان، امارات عربی متحده، کویت، قطر و عمان از جمله این کشورها به شمار می‌آیند. علاوه بر اینها کشورهای هستند که جمعیت قابل ملاحظه‌ای شیعه در آنها زندگی می‌کنند اما در پیوستگی بلافصل ایران قرار ندارند. این گروه از کشورها نیز از این نظر که همگی در قاره آسیا واقع اند، با هم وجه اشتراک دارند. لبنان، یمن، سوریه، هند، تاجیکستان و ازبکستان از جمله این کشورها هستند. به این مناطق شیعه‌نشین باید شیعیان پراکنده در سایر نقاط جهان را نیز اضافه نمود. شیعیانی که در خارج از قاره آسیا و عمدتاً در اروپا، آفریقا و آمریکا زندگی می‌کنند. بنابر آنچه گفته شد به نظر می‌رسد که می‌توان از دیدگاه جغرافیایی جوامع گوناگون شیعه را به چهار بخش زیر تقسیم‌بندی کرد: الف- شیعیان ایران؛ ب- شیعیان پیرامون ایران؛ ج- سایر شیعیان آسیا؛ د- گروه‌های پراکنده شیعه در سایر نقاط جهان. اما به‌طور کلی نقشه جغرافیای شیعیان به ما نشان می‌دهد که بیشتر شیعیان در خاورمیانه، به‌ویژه منطقه خلیج فارس یا مناطق نزدیک به آن زندگی می‌کنند. بیش از ۷۰ درصد جمعیت منطقه خلیج فارس را شیعیان تشکیل می‌دهد (احمدی و موسوی، ۱۳۸۹: ۵).

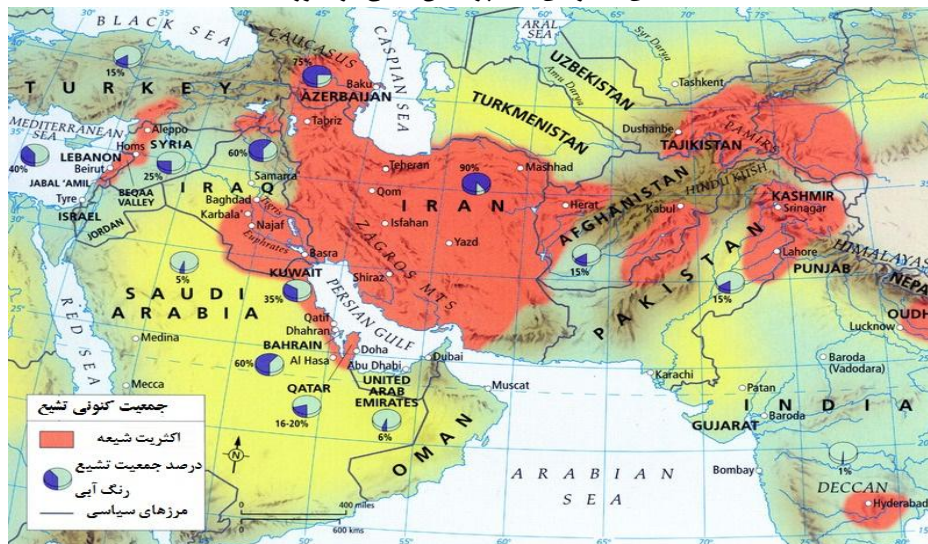
وضعیت شیعیان خلیج فارس را باید در دو منطقه سواحل شمالی و جنوبی به صورت جداگانه بررسی کرد. شیعیان، که در سواحل شمالی به سر می‌برند، جایگاه و موقعیت‌های مطلوبی دارند. این بخش از خلیج فارس، که در اختیار حاکمیت جمهوری اسلامی قرار دارد، هم به لحاظ جمعیتی و آماری و هم از نظر حوزه‌ی فرهنگی و مذهبی، حایز اهمیت است. از یک سو، بیش از ۹۱ درصد جمعیت ایران را شیعیان تشکیل می‌دهند، و از سوی دیگر، تشیع مذهب رسمی آن قلمداد شده که جایگاه ویژه‌ای برای شیعیان منطقه و جهان فراهم آورده است. بدین روی، می‌توان گفت: شیعیان در این بخش خلیج فارس، هم به لحاظ سیاسی، هم جمعیتی و هم اجتماعی و فرهنگی، از جایگاه برتری نسبت به دیگر شیعیان منطقه برخوردارند. در سواحل جنوبی خلیج فارس، که از آن به «شبه جزیره عربستان» نیز یاد می‌شود، اوضاع قدری پیچیده‌تر است. شیعیان که یک اقلیت مذهبی هستند، بزرگ‌ترین مشکل ژئوپولیتیکی را برای بیش تر کشورهای این بخش فراهم آورده‌اند. از بعد داخلی، این گروه مذهبی، گرچه در برخی کشورهای منطقه به لحاظ جمعیتی در اکثریت به سر می‌برند، ولی در

تمام این کشورها، به لحاظ سیاسی اقلیتی طرد شده هستند که در طول سالیان دراز، از محرومیت‌های سیاسی، اقتصادی و حتی اجتماعی رنج برده‌اند. از سوی دیگر، حضور شیعیان در مناطق حساس ژئوپلیتیکی و نفت خیز، حساسیت نه تنها دولت‌های منطقه، بلکه قدرت‌های خارجی، به‌ویژه آمریکا، را نیز برانگیخته است. از بعد خارجی یا منطقه‌ای، حضور ایران شیعی در سواحل شمالی، که خود را هدایت‌گر و نجات‌بخش محرومان جهان به‌طور عام و شیعیان به‌طور خاص می‌داند، مشکل دیگری برای دولت‌های منطقه فراهم آورده است. این آرمان که در برخی برهه‌های زمانی، گرایش‌های گریز از مرکز را سبب شده، بیش از عوامل دیگر، منافع ملی این کشورها را تهدید می‌کند (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۳۹-۱۳۸).

طبق آمار جمعیتی سال ۲۰۰۵، از کل جمعیت منطقه‌ی خلیج فارس، ۶۵ درصد را شیعیان و حدود ۳۳ درصد را سنی‌ها به خود اختصاص داده‌اند. کشورهای ایران و عراق پرجمعیت‌ترین کشورهای منطقه هستند که اکثریت مردمانشان پیرو مذهب تشیع هستند. علاوه بر این دو، در کشور بحرین نیز اکثریت با شیعیان می‌باشد و در بقیه‌ی کشورهای منطقه‌ی خلیج فارس، به‌طور متوسط یک چهارم تا یک پنجم جمعیت جزو پیروان مذهب تشیع و فرقه‌های مختلف آن محسوب می‌شوند. در میان فرقه‌ها و شاخه‌های مختلف تشیع، تشیع دوازده امامی بیشترین پیروان را دارد و می‌توان گفت ۹۵ درصد شیعیان منطقه خلیج فارس دوازده امامی هستند. بیش‌ترین تمرکز جمعیت اهل سنت در کشورهای عربستان سعودی است، زیرا ۹۰ درصد جمعیت این کشور سنی مذهب است. در بقیه‌ی کشورهای عربی تعداد پیروان اهل تسنن از ۳۰ درصد کل جمعیت کمتر نیست، بحرین تنها کشور عربی منطقه خلیج فارس است که اکثریت جمعیت عرب آن شیعه مذهب هستند (سازمان جغرافیایی، ۱۳۸۷، ۵۳-۵۲).

از آنچه در مورد پراکنش شیعیان در جهان اسلام و به‌ویژه خاورمیانه گفته شد، می‌توان بدین نتیجه رسید که شکل جغرافیایی استقرار شیعیان در جهان اسلام و منطقه‌ی خاورمیانه - چه با تعریف سنتی خاورمیانه و چه خاورمیانه‌ی بزرگ- بیانگر این است که به رغم جمعیت کم شیعیان در قیاس با کل جمعیت مسلمانان، این شیعیان هستند که در مناطق حساس ژئوپلیتیکی جهان اسلام قرار گرفته‌اند و کشور ایران به مثابه‌ی کانون جغرافیایی و ژئوپلیتیکی شیعیان جهان، هم از لحاظ عینی و هم معنایی محوریت اصلی تشیع را به عهده دارد. یکی از مؤلفه‌های قدرت ساز انقلاب اسلامی ایران در طول حیات خود، همین ویژگی پراکنش شیعیان و موقعیت ویژه‌ی ایران است. این وضعیت ارتباط انقلاب اسلامی با شیعیان را تسهیل کرده و زمینه‌ی ارتباط بهتر را فراهم نموده است.

نقشه‌ی شماره‌ی (۳): پراکنش تشیع در خاورمیانه



۲.۳ ایدئولوژی و منابع در خدمت ژئواستراتژی ایران

شیعیان خلیج فارس در منطقه بسیار حساسی از نظر جغرافیای سیاسی قرار دارند. هفتاد درصد جمعیت خلیج-فارس، یعنی منطقه‌ای که سه چهارم مرغوب‌ترین ذخایر نفتی دنیا در آن قرار دارد، شیعه هستند. اگر محدوده این کمربند شیعی را، که به دور خلیج فارس کشیده شده است، وسیع‌تر نماییم، ملاحظه خواهیم کرد که بیشتر جمعیت شیعه در کانون‌های ژئوپولیتیکی متمرکز است که جهان را در پنجاه سال گذشته دچار بی‌ثباتی کرده است (توال، ۱۳۸۲: ۱۷۳-۱۷۲).

جنوب عراق که مرکز تجمع شیعیان است علاوه بر وجود میادین بزرگ نفتی و خطوط انتقال آن، گلوگاه ارتباط دریایی این کشور به حساب می‌آید. همچنین دشت حاصلخیز جنوب عراق و منطقه بصره در اختیار شیعیان می‌باشد. در مجموع، تا حدود زیادی شیعیان بر نقاط استراتژیک عراق (مخصوصاً حوزه‌های نفتی جنوب) تسلط دارند. در عربستان سعودی نیز شیعیان در مناطقی زندگی می‌کنند مهم‌ترین و بزرگ‌ترین ذخایر نفتی این کشور قرار دارد، یعنی مناطق الاحساء و قطیف که در استان شرقیه واقع شده‌اند. این منطقه یکی از حساس‌ترین مناطق نفت خیز عربستان سعودی است، زیرا اکثر نیروی کار فعال در صنایع مرتبط با نفت از شیعیان منطقه می‌باشند. خطوط عظیم انتقال نفت نیز در این مناطق کشیده شده‌اند و از لحاظ امنیتی نیز

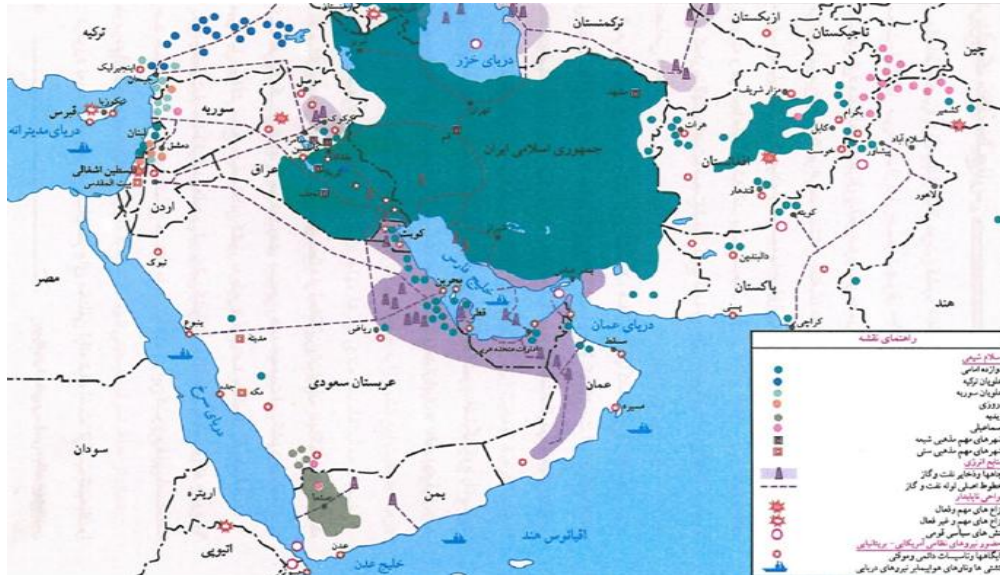
منطقه دارای شرایط ویژه‌ای است. اما در امارات، بیشترین تعداد شیعیان این کشور در دوبی زندگی می‌کنند. دوبی از لحاظ تجاری یکی از پر رونق‌ترین شهرهای منطقه، و از نظر منابع نفتی یکی از مهم‌ترین مناطق نفتی امارات متحده عربی می‌باشد. از دیگر کشورهای منطقه که شیعیان درصد بالایی از جمعیت آن را تشکیل می‌دهند، بحرین است. این کشور دارای ذخایر عمده نفت و گاز نیست. اما با توجه به جمعیت بالای شیعیان، آنها می‌توانند نقش مهمی را در این کشور به‌ویژه در صنعت نفت آن ایفا کنند (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۶). کویت و عمان، از دیگر کشورهای نفت خیز حوزه خلیج فارس، دارای اقلیت شیعه هستند. بعضی از میداین مهم نفتی این کشورها در مناطقی وجود دارند که شیعیان در آن سکونت دارند. این مطالب با مراجعه به نقشه پراکندگی شیعیان و نقشه میداین مهم نفت و گاز بیشتر قابل درک می‌باشد.

بنابراین محرز است که تمام مناطق شیعه نشین خلیج فارس از موقعیت ژئواکونومیک قابل ملاحظه‌ای برخوردار هستند. نکته‌ی قابل توجه دیگر این است که در اکثر این کشورها، شیعیان در امتداد یک خط ساحلی، مرزهای آبی منطقه‌ی خلیج فارس را در اختیار دارند. از طرفی مهم‌ترین منابع نفت و گاز در مجاورت این خط ساحلی قرار گرفته‌اند، که این موضوع اهمیت مناطق شیعه نشین را برای کشورهای مذکور دو چندان می‌سازد. علاوه بر حساسیت موقعیت مکانی شیعیان از لحاظ تسلط بر منابع انرژی منطقه، در بیشتر این کشورها نیروی کار مشغول در صنایع نفت و گاز از شیعیان بومی بوده و نقش فراوانی در فعالیت و حفظ امنیت این صنایع بر عهده دارند (تقی‌زاده، ۱۳۸۴).

کشور جمهوری آذربایجان نیز با اکثریت قاطع تشیع دارای منابع قابل توجه نفت و گاز است. ذخایر اثبات شده نفت و گاز این کشور در سال ۲۰۰۹ به ترتیب ۱۷۲/۳ هزار میلیون بشکه ۱/۳۱ تریلیون متر مکعب می‌باشد. این کشور نیز با اکثریت تشیع در حوزه‌ی نفوذ ایران قرار دارد و به‌رغم سکولار بودن دولت آن، مردم آذربایجان همگرایی بیشتری به ایران دارند (BP, 2010).

جمعیت شیعه جهان عرب به لحاظ استراتژیکی، در قلب بزرگ‌ترین منطقه‌ی نفت خیز خاورمیانه و در عرض شاهراه‌های نفتی خلیج فارس قرار دارند. با توجه به این موضوع، فولر در کتاب شیعیان عرب، مسلمانان فراموش شده می‌نویسد: از بعد نظری، شیعیان عرب به کمک ایران می‌توانند بیشتر منافع نفتی خلیج را تحت کنترل کامل خود در آورند (تقی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۸۳).

نقشه‌ی شماره‌ی (۴): پخش فضایی شیعیان و منابع نفت و گاز؛ (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۷)



با توجه به استقرار شیعیان در مناطق حساس انرژی، کشور ایران به‌عنوان رهبر جهان تشیع می‌تواند از نیروی انسانی تشیع در جهت کنترل خود بر وضعیت انرژی منطقه و حتی جهان، استفاده نماید. این امر سبب افزایش وزن ژئوپلیتیکی ایران می‌شود و باعث افزایش مزیت‌های ایران در کنار مزیت‌های دیگرش - مانند جایگاه سوم در بین دارندگان ذخایر نفت و رتبه‌ی دوم در بین دارندگان ذخایر گاز طبیعی جهان و نیز موقعیت خوب دسترسی و حدواسط شرق- غرب و شمال- جنوب برای انتقال انرژی منطقه آسیای مرکزی و حوزه‌ی خزر به اروپا و آب‌های آزاد جنوب- می‌شود.

با توجه به مؤلفه‌های معنایی که ذکر شد، انقلاب اسلامی با معرفی الگویی بی‌بدیل از اسلام سیاسی، سعی در ارائه‌ی هویتی مستقل و مبتنی بر گفتمان اسلامی از مسلمانان است که در برابر الگوهای کمونیستی و لیبرالی قرار می‌گیرد و رقیب اصلی لیبرال دموکراسی در عرصه‌ی ژئوپلیتیک جهانی است و برای توازن قدرت و نیز مقابله با تهدیدهای ناشی از تضاد با نظم لیبرالی حاکم بر جهان و منطقه و افزایش قدرت خود، از پتانسیل‌های منطقه‌ای خود مانند شکل استقرار شیعیان در جهان اسلام و انطباق آن‌ها با ذخایر انرژی و در نتیجه مزیت ژئواستراتژیکی خود نسبت به غرب، بهره می‌برد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله به دو دسته از مؤلفه‌های مادی و معنایی پرداخته شد. در بخش مؤلفه‌های مادی می‌توان گفت دسترسی ایران به مناطق ژئوپلیتیکی مانند آسیای مرکزی، قفقاز، آسیای صغیر و شرق اروپا (اوراسیا)، خاورمیانه، جنوب آسیا سبب تسهیل تعاملات ایرانیان با جهان بیرون و بویژه مسلمانان جهان شده است. شاید نتوان هیچ کشور مسلمان یا حتی غیر مسلمان را در جهان یافت که این همه مناطق ژئوپلیتیکی حساس را به یکدیگر مرتبط بکند. همین موقعیت چهار راهی و دسترسی کم‌نظیر یا بی‌نظیر ایران به فضاهاى مختلف ژئوپلیتیکی، خود عاملی قدرت‌زا برای جمهوری اسلامی ایران و انقلاب اسلامی در جهت گسترش تعاملات خود و انتشار و صدور انقلاب است. منابع انرژی و استقرار در مبادین انرژی نیز به نوبه‌ی خود به کشور ایران اهمیت خاصی بخشیده است. کشور ایران هم یک تولیدکننده‌ی بزرگ ذخایر فسیلی (نفت و گاز) است و هم در موقعیت ارتباطی بین مناطق ژئواکونومی حوزه‌ی خزر و خلیج فارس و بازارهای مصرف اروپا و شرق آسیا قرار گرفته است. این امر سبب اثرگذاری ایران در موضوع استراتژیک انرژی جهانی و اقتصاد سیاسی بین‌الملل شده است که به سبب قدرت اقتصادی و بازدارندگی سیاسی، امنیتی و نظامی در برابر غرب برای ایران شده است. این امر در حفظ و تقویت انقلاب اسلامی ایران مؤثر است.

با توجه به آن‌چه در مورد مؤلفه‌های معنایی انقلاب اسلامی نیز گفته شد باید گفت که، انقلاب اسلامی ایران با تکیه بر مفاهیم صدر اسلام و تأکید بر ایجاد حکومت اسلامی به شیوه‌ی اسلامی و زدودن مفاهیم گفتمان لیبرال دموکراسی و اتحاد مسلمانان در قالب امت اسلامی و عبور از مرزهای دولت-ملت‌ها که مفهومی غربی است، هویت خود را به‌عنوان الگویی مطابق با اسلام معیار - به قولی اسلام ناب- شکل بخشیده است. بنابراین به لحاظ ژئوپلیتیکی، این الگو به واسطه‌ی هویت مستقل اسلامی در برابر هویت‌ها و گفتمان لیبرال دموکراسی غرب و نیز قرابت با اسلام معیار، الگوی مناسبی در چارچوب جغرافیای فرهنگی و ژئوکالچر اسلامی قلمداد می‌شود. الگوی انقلاب اسلامی ایران به واسطه‌ی شکل‌دهی به محور مقاومت در برابر کشورهای غربی و متحدانش و نیز فعال‌سازی ظرفیت‌های اعتراضی مسلمانان و به‌ویژه شیعیان سبب شکل‌گیری یک هارتلند فرهنگی منطبق بر هارتلند انرژی جهان شده است که هم از نظر معنایی و هویتی و هم از نظر مادی و منافع در منطقه و جهان، غرب را به چالش کشیده است. امروزه الگوی اسلام‌گرایی انقلاب اسلامی سبب شکل‌گیری یک ژئوپلیتیک چند لایه‌ی ژئوکالچر (فرهنگ اسلامی، شیعی، انقلابی، سلطه‌ی ستیز و غیره)، ژئواکونومیکی (موقعیت محوری دسترسی به بازارهای انرژی و غیره، منابع انرژی و هارتلند انرژی و غیره) و سیاسی- امنیتی و غیره شده است. این انطباق ساختارهای معنایی- هویتی و ساختارهای مادی و منافع بیانگر شکل‌گیری یک ساختار ژئوپلیتیکی منسجم تحت عنوان الگوی انقلاب اسلامی است. بنابراین باید گفت مؤلفه‌های مادی و معنایی در تعاملی نظام‌مند با یکدیگر سبب حفظ و ادامه و نیز قدرت‌یابی انقلاب اسلامی در جغرافیای جهان اسلام و به‌ویژه منطقه‌ی خاورمیانه (چه در معنای سنتی و چه در معنای خاورمی «انه‌ی بزرگ») شده است.

منابع

- احمدی، سیدعباس و الهام‌السادات موسوی(۱۳۸۹)، جغرافیای شیعه و فرصت‌های ایران در قلمروهای شیعی جهان اسلام، مجموعه‌ی مقالات چهارمین کنگره‌ی بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام، ۲۷-۲۵ فروردین، زاهدان.
- احمدی، سید عباس(۱۳۸۶)، جغرافیای شیعه؛ نگاهی به پراکنش جغرافیایی شیعیان، نشریه جام هفته، سال نهم، شماره‌ی ۳۸۲، مرداد ماه.
- افضل‌ی، رسول(۱۳۸۷)، جغرافیای فرهنگی دولت سرزمینی در ایران، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره‌ی ۶۶: ۵۲-۳۵.
- پالیزی، فریبا(۱۳۸۶)، ایران و همسایگان آن و بحران‌های منطقه، سلسله مقالات خاورمیانه شناسی، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- تقی‌زاده، محمود(۱۳۸۳)، شیعه و مذاهب دیگر، سخنرانی: بررسی حوزه‌های جغرافیایی تعاملی و چالشی، فصلنامه‌ی تخصصی شیعه‌شناسی، موسسه شیعه‌شناسی، سال دوم، شماره‌ی ۸.
- تقی‌زاده، محمود(۱۳۸۴)، شیعه‌شناسی، ضرورت‌ها و کاستی‌ها، روزنامه همشهری.
- توال، فرانسوا(۱۳۸۲)، ژئوپلیتیک شیعه، ترجمه‌ی کنایون باصر، نشر ویستار.
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح(۱۳۸۷)، ژئوپلیتیک منطقه‌ی خلیج فارس(با تأکید بر شیعیان)، انتشارات سازمان جغرافیایی.
- صفوی، سید یحیی(۱۳۷۸)، جغرافیای سیاسی- نظامی ایران، تهران: دانشگاه امام حسین.
- فاضلی‌نیا، نفیسه(۱۳۸۶)، ژئوپلیتیک شیعه و نگرانی غرب از انقلاب اسلامی، انتشارات شیعه شناسی.
- فاضلی‌نیا، نفیسه(۱۳۸۵)، علل نگرانی غرب از انقلاب اسلامی (با تأکید بر عنصر ژئوپلیتیک شیعه)، مجله علوم سیاسی، سال نهم، شماره‌ی سی و ششم، زمستان.
- کرمانی، ناظم الاسلام(۱۳۶۳)، تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام علی‌اکبر سعدی سیرجانی، جلد ۲، نشر آگاه.
- کریمی‌پور، یدالله(۱۳۸۰)، مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان(منابع تنش و تهدید)، چاپ اول، تهران: جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم.
- الگار، حامد(۱۳۶۹)، دین و دولت در ایران، نقش علما در دوره‌ی قاجاریه، ترجمه ابوقاسم سری، نشر قومس.
- متقی، افشین و مصطفی رشیدی(۱۳۹۱)، تبیین ژئوپلیتیکی الگوهای اسلام‌گرایی در جهان اسلام از منظر بر ساخت-گرایی، فصلنامه‌ی مطالعات انقلاب اسلامی، شماره‌ی ۲۹.
- مقدم فر، گلناز(۱۳۸۹)، ایران؛ کانون هارتلند، روزنامه‌ی رسالت.
- موسوی‌خمینی، روح‌الله(۱۳۶۲)، در جستجوی راه از کلام امام: از بیانات و اعلامیه‌های امام از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۶۱، امیرکبیر.
- نبوی، عبدالامیر(۱۳۸۹)، «ظهور و دگرگونی جریین‌های اسلام‌گرا؛ مروری بر رویکردها و نظرات»، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال یازدهم، شماره‌ی ۴۲، تابستان.
- BP, (2010), Statistical Review of World Energy/ June, 2010, bp.com/ statistical review.
- BP, (2011), Statistical Review of World Energy/ June 2011/bp.com/ statistical review.

- Central Asia-Caucasus Institute Analyst, (2004), American Threat Looms over Kazakh-Iranian Talks, in; <http://www.cacianalyst.org/?q=node/2534>.
- Daly, John C.K., (2008), Iran Develops Caspian Port, United Press International, 2008. In:http://www.upi.com/International_Security/Energy/Analysis/2008/05/21/analysis_iran_develops_bandar-e_anzali/ 4876.
- Fischer, Michael, (1980), Iran from Religious Dispute to Revolution, Cambridge: Harvard University press.
- Grewe, Hartmut, (2006), Energiesicherheit als strategisches Ziel: Anforderungen an einen Energieaußenpolitik, Konrad Adenauer Stiftung, Analysen und Argumente.
- Mitteilung der Kommission, (2001), "Die Beziehungen zwischen der EU und der Islamischen Republik Iran", KOM/2001/ endg.
- Singer, Clifford & Gopi Rethinaraj, (2001), TS, Energy Wars: Past, Present and Future, Jane's Intelligence Review (JIR).
- Starr, Frederick, (2007), The New Silk Roads: Transport and Trade in Greater Central Asia, Central Asia-Caucasus Institute, Washington, D.C.